

مقدمه

با وجود اینکه الهیات و گرایش‌های متعدد رهبانی، پیش از قرن سوم میلادی نیز در میان مسیحیان ساکن در مناطق شرقی وجود داشت، اما بسیاری از نویسندگان، نخستین زندگی رهبانی را در قرن سوم و در مصر رصد می‌کنند که از آنجا به فلسطین و سوریه گسترش یافته است (مک‌گین، ۱۹۸۷، ج ۱۰، ص ۴۴). با پذیرش این تفکر باید گفت: رهبانیت مصر در قرن سوم محصول افراد فرهیخته‌ای بود که از سنت رایج ناراضی بودند و به خلوت‌گزینی و صحرانشینی رو آورده بودند (روبنسون، ۱۹۹۵، ص ۱۸۶). گرچه آنتونی قدیس، بنیانگذار رهبانیت شرقی محسوب می‌شود، اما یکی از بزرگ‌ترین راهبان مسیحی که توانست در تحول و پیشرفت زندگی و مکتب رهبانیت گام‌های بلندی بردارد، پاکومیوس (Pachomius) قدیس است که به نوعی معاصر آنتونی قدیس بوده است. هرچند وی مجزا از او ابداع نمود که تمامی مکاتب پس از وی تا حدودی ادامه دهنده شیوه‌های او هستند. پاکومیوس، که متولد حدود سال ۲۹۲ میلادی می‌باشد، دوران کودکی خود را در تینا در حومه شهر تبس از توابع کشور مصر گذراند (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶). او در یک جامعه کشاورز کافر (Pagan) زندگی کرد و خود وی و والدینش تا زمانی که وارد ارتش روم نشده بودند، همچنان کافر و بی‌دین بودند (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۴۳-۴۴). اما پس از ورود به ارتش امپراتوری روم، تحت فرمان کنستانتین (مک‌کارتی، ۲۰۰۲، ج ۱۰، ص ۷۴۲)، به رسم معمول ارتش، مدتی آموزش مسیحی دید. بدین ترتیب، وی با مسیحیت آشنا شد. وی پس از پایان دوران خدمت سربازی و به نقلی با اخراجش از خدمت (کرنز، ۲۰۰۸، ص ۱۶۹)، در سال ۳۱۴م به روستای خود چینوبوسکیا (Chinoboskeia) بازگشت و غسل تعمید یافت و مسیحی شد. پس از غسل تعمید، پاکومیوس به روستای متروکی در کناره رود نیل، نزدیک دیندرا رفت و زندگی زاهدانه را تحت نظارت و هدایت راهب معنوی پالمون (Palemon) آغاز نمود (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۳۹). گفته می‌شود وی مدت ۱۲ سال، با استادش در صحرا زندگی کرد (کرنز، ۲۰۰۸، ص ۱۶۹). سرانجام بنا بر ادعای خود، مهم‌ترین پیام خود را از سوی خداوند و توسط فرشته‌ای دریافت کرد که به او دستور داده شد که در تینا توقف کن و در آنجا صومعه‌ای برای کسانی که مشتاق وارد شدن به زندگی رهبانیت هستند، بنا نما (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۴۶). در واقع پاکومیوس مدعی است: دستورات مکتب رهبانی خود را از فرشته دریافت کرده و او تنها مجری دستورات خداوند است و قوانین را خود وی ابداع نکرده است (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶). این ادعا، به نوعی تجربیات عرفانی پاکومیوس به‌شمار می‌رود که بخش جداناپذیری از زندگی او می‌باشد.

بررسی انتقادی مکتب پاکومیوس در رهبانیت مسیحیت شرقی

smmb\_110@yahoo.com

کلیه سیدمرتضی میرتبار / دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب

mefthah555@gmail.com

احمد رضا مفتاح / دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳

چکیده

آنتونی قدیس، پدر رهبانیت مسیحیت شرقی است که مروج رهبانیت فردی است. اما رهبانیتی که پس از وی رواج یافت، رهبانیت جمعی بود. این رهبانیت را پاکومیوس بنیانگذاری کرد. رهبانیت پاکومیوس، افزون بر جمعی بودن، ویژگی‌های دیگری هم دارد: تدوین قانون‌نامه مشترک، شکل‌گیری صومعه و حضور در اجتماع و سیاست. از جمله نکات مثبت این مکتب، جلوگیری از افراطی‌گری، ایجاد ارتباط میان کلیسا و صومعه، ایجاد الهیات رهبانی و ارائه خدمت به جامعه بوده است. اما در کنار این جنبه‌های مثبت، نقدهایی نیز به این مکتب وارد است که عبارتند از: نداشتن پشتوانه کتاب مقدسی، ساختار نظامی داشتن، تغییر مفهوم صحرا و ریاضت، سهولت ورود به صومعه، حتی برای افراد ناسالم. این مقاله، با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی، به بررسی تحلیلی و انتقادی این مکتب رهبانی، با معیار قرار دادن کتاب مقدس و سنت موجود در رهبانیت مسیحی، پیش از پاکومیوس می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: پاکومیوس، مکتب رهبانی، آنتونی، سنوبتیک، مسیحیت شرقی.

در مدت کوتاهی، روش رهبانیت پاکومیوس بر کل مصر تسلط پیدا کرد؛ دیگر کمتر کسی به شیوه آنتونی به ریاضت و راهب‌گری می‌پرداخت. بدین ترتیب، شیوه راهبانه او به خارج از مصر نیز منتقل شد و به نوعی موجب گسترش رهبانیت مسیحی شد، به گونه‌ای که تعداد راهبان این مکتب را در نیمه نخست قرن پنجم، پنجاه هزار نفر بیان کردند. پاکومیوس، پیش از مرگش تئودور و هورسیس را به‌عنوان جانشین خود برگزید (جوردان، ۱۹۸۵، ص ۳۶). سرانجام، درحالی‌که نه صومعه برای مردان و دو صومعه برای زنان در تبنا تأسیس نمود، دار فانی را وداع گفت (مک‌کارتی، ۲۰۰۲، ج ۱۰، ص ۷۴۲). او در ماه می سال ۳۴۶ م بر اثر بیماری مسری و فراگیری که در آن دوره، جان حدود صد نفر از راهبان را گرفته بود، از دنیا رفت (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۳۹). پاکومیوس در طول عمر خود، همیشه فردی بیمار بود و در نهایت، در سن ۵۴ سالگی وفات کرد. سن او نسبت به سایر پدران صحرا، که عمداً بیش از ۱۰۰ سال عمر کردند، کم بوده و نسبتاً جوان از دنیا رفت (یانی، ۱۹۸۴، ج ۵، ص ۳۰).

مسئله اصلی این نوشتار این است که رهبانیت پاکومیوس، در مقایسه با رهبانیت آنتونی، چه ویژگی‌هایی دارد؟ وی چه تحولات و احیاناً ابداعات جدیدی در رهبانیت مسیحیت شرقی به وجود آورده است؟ نکات مثبت و منفی این نوع رهبانیت چیست؟

### ویژگی رهبانیت پاکومیوس، در مقایسه با رهبانیت آنتونی

طبق آنچه آتاناسیوس از رهبانیت مسیحی بیان داشته، آنتونی قدیس به‌عنوان بنیانگذار رهبانیت شناخته می‌شود (می‌یر، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۵۰۶) که بنیانگذار رهبانیت انفرادی است (مک‌کین، ۱۹۸۷، ج ۱۰، ص ۴۵). آنتونی معتقد بود: باید در صحرا سکنا گزید و ترک دنیا کرده و به مبارزه با شیطاں پرداخت. در واقع، رهبانیت در این دوره، به معنای کناره‌گیری از امور متداول دنیوی و اشتغال تمام و کمال به عبادت و امور دینی بوده است (بستانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۸۸). از دیگر ویژگی‌های رهبانیت آنتونی، تجرد و باکرگی بوده است؛ ازدواج در مکتب وی ممنوع بود. آنتونی، تحت تأثیر تاتیان و تفکرات گنوسی، خودانکاری را لازمه رهبانیت می‌دانست. لذا به صورت افراطی به اعمال ریاضت‌گونه می‌پرداخت (رک: مفتاح و میرتبار، ۱۳۹۳، ص ۹۳-۹۴). آنتونی برای ریاضت برنامه خاصی نداشت. از منظر وی، هر چه عمل سخت‌تر بوده، محبوب‌تر تصور می‌شد؛ زیرا او معتقد بود که هیچ اصلی در زندگی رهبانی وجود ندارد. آنتونی می‌گفت:

همه کارها مثل هم نیستند؛ زیرا کتاب مقدس می‌گوید که ابراهیم هم‌مان‌نواز بود و خدا با او بود. الیاس نیایش در خلوت را دوست داشت، و خدا با او بود. داود فروتن بود و خدا با او بود. بنابراین، هر آنچه می‌بینی که نفست بر طبق اراده خدا می‌خواهد انجام ده، تا قلبت را سلیم نگاه داشته باشی (مرتون، ۱۳۸۵، ص ۶۱).

اما پاکومیوس، که هم‌عصر آنتونی بوده، بسیاری از ویژگی‌هایی که آنتونی در رهبانیت خود داشت و از آن بهره می‌برد را انکار کرد و شیوه‌های جدید خود را ابداع نمود. این مسئله موجب شد که از طرفداران رهبانیت مکتب آنتونی کاسته شود و غالب راهبان آن دوره، سبک و سیاق مکتب پاکومیوس را در پیش گیرند. پاکومیوس هفت سال با پالمون زندگی کرد و از مکتب آنتونی پیروی می‌نمود، ولی پس از مرگ پالمون، دست به تأسیس صومعه با ویژگی‌های مختص به خود زد (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۴۸). در واقع وی در ابتدا همچون سایر راهبان به ریاضت‌های سنگین و طاقت‌فرسا اقدام می‌کرد. حتی پس از تأسیس مکتب نیز مدت‌ها از همان شیوه سابق پیروی می‌کرد. به‌عنوان نمونه، پاکومیوس پس از راهب شدن، هیچ‌گاه یک وعده غذایی کامل میل نمود و حدود ۱۵ سال نیز نشسته بر روی سنگ می‌خوابید (وسلی ویشارت، ۱۹۹۰، ص ۵۸). اما پس از مدتی شیوه خود را تغییر داد. بدین ترتیب، مکتب جدیدی را پایه‌ریزی کرد. در اینجا به برخی از ویژگی‌های مکتب پاکومیوس، که تا پیش از این به صورت نظام‌مند وجود نداشت، می‌پردازیم:

### ۱. بنیانگذاری رهبانیت جمعی (سنوبتیک) (Coenobitic)

پاکومیوس و پیروانش معتقد بودند که باید زندگی رهبانی را سازماندهی کرد تا مردان و زنان بتوانند در این مسیر تعالی یابند (مارتین، ۲۰۱۴، ص ۷). از این‌رو، روش آنتونی را کنار گذارد و جامعه رهبانی مشخص، براساس قوانین مشترک و معلوم ایجاد نمود. بنابراین، از پاکومیوس به‌عنوان بنیانگذار رهبانیت سنوبتیک (به معنای زندگی اشتراکی یا جمعی) یاد می‌کنند (مک‌کارتی، ۲۰۰۲، ج ۱۰، ص ۷۴۲)، که محصول فکری شخص پاکومیوس می‌باشد (مارتین، ۲۰۱۴، ص ۷). شیوه او چنان فراگیر شد که امروزه نیز رهبانیت از لحاظ تکنیکی، در مورد زندگی در یک جمع دینی با عهد سکوت و روزه‌داری به کار می‌رود (بوش، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲). در واقع پاکومیوس، با ایجاد چنین شیوه‌ای به رهبانیت انفرادی آنتونی پایان داد. وی سبک جدیدی را به جامعه رهبانیت مسیحی معرفی نموده، که از لوازم این شیوه، تأسیس صومعه می‌باشد. از این‌رو، پاکومیوس با تأسیس صومعه‌های متعدد، زندگی اشتراکی را برای راهبان بنا نهاد (یانی، ۱۹۸۴، ص ۱۱). او نخستین صومعه را نیز در کرانه‌های رود نیل، به نام سنوبتیک ساخت که راهبان در آنجا با یکدیگر زندگی مشترکی را با شیوه‌ای کاملاً نظامی آغاز کردند (توسعه کلیسا، بی‌تا، ص ۲۹)؛ چون او سوگند خورده بود که همواره همچون سربازی، به انسانیت خدمت خواهد کرد. لذا نظامی شبیه به نظم نظامی را برای اداره صومعه خود در نظر گرفت (دان، ۲۰۰۳، ص ۲۷). گویا علت ساخت آن صومعه،

شنیدن صدای روح القدس بود که پاکومیوس را به سوی خود فرامی خواند. وی، حدود ده مایل را به دنبال صدا در طول رودخانه رفت، تا اینکه به روستای تاپنسی رسید. در آنجا روح از او خواست که صومعه‌ای بنا کند. از این رو، به دستور روح، پاکومیوس نخستین صومعه را در این مکان احداث کرد (یانی، ۱۹۸۴، ص ۱۱). پس از مدتی، وی از تینا به پپو (Pebu) نقل مکان کرد و در آنجا نیز دست به تأسیس صومعه زد. در واقع، پاکومیوس در این منطقه، به‌عنوان رهبر عمومی راهبان معرفی شد که به او هگومین (hegumen) گفته می‌شد. وی، که پیش از این خواهرش را به گروه رهبانی دختران عهد سپرده بود، به پپو آورد. بدین ترتیب ماری، خواهر پاکومیوس، به‌عنوان نخستین هگومین در یک صومعه‌ای، که مختص به راهبه‌ها ساخته شد، انتخاب گردید (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۳۹). پاکومیوس، برای صومعه خواهران که به رهبری خواهرش بود نیز قوانین صومعه خود را فرستاد تا زنان نیز با مردان تفاوتی نداشته و با همان قوانین مشترک در زندگی رهبانی تعلیم ببینند (ادوکیموف، بی‌تا، ص ۳۰). از نکات قابل توجه در صومعه پاکومیوس، این است که حتی زنان شوهردار نیز می‌توانستند راهبه شوند و زندگی خود را وقف صومعه نمایند. هیچ مردی، جز کشیش یا شماس نمی‌توانست وارد صومعه زنان شود. اگر راهبه‌ای از دنیا می‌رفت، زنان دیگر صومعه، جسد وی را در کنار رودخانه می‌گذاشتند و آن‌گاه شماری از برادران، با قایق عبور می‌کردند و جسد را با خواندن مزامیر و شمع‌هایی روشن و تشریفات و احترام فراوان می‌آوردند و در قبرستان خودشان به خاک می‌سپردند (پترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۸). او حدود سه هزار نفر را در صومعه‌های خود جای دارد. وی در مدت کوتاهی، شاگردانش توانستند این تعداد را به هفت هزار نفر برسانند (یانی، ۱۹۸۴، ص ۱۲).

شکل‌گیری صومعه توسط پاکومیوس نتایج دیگری نیز داشت. از جمله آن، معماری منحصر به فرد صومعه‌ها بود که به ویژگی‌های این مکتب افزوده شد؛ زیرا صومعه‌های احداث‌شده توسط پاکومیوس دارای شکل خاصی بوده که آن را از ساختمان کلیسا و سایر بناها متمایز می‌ساخت. پس از مرگ وی نیز پیروانش تغییری در معماری بناهای صومعه‌ها ایجاد نکردند. این امر منجر به شکل‌گیری معماری منحصر به فردی برای این مکتب گردید. صومعه او با یک دیوار بلند احاطه شده بود که این امر موجب جدایی زاهدان با دنیای خارج می‌شد (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۳۹). بلندای دیوارهای آن، به حدود ۱۰۰ پا می‌رسید که آن، موجب حفظ راهبان از حمله دشمنان و اذیت و آزار کارمندان دولتی می‌شد. درهای کوچکی نیز برای این بناها تعبیه گردید که بیشتر از دو یا سه نفر نمی‌توانستند، هم‌زمان از آن عبور کنند. این درها، از چوب‌های سنگین، که با یک ورق آهنی پوشیده شده بودند، ساخته می‌شد. در این

صومعه، اتاق‌های مشخص اما متعددی بود. یک کلیسا در آن در نظر گرفته می‌شد. علاوه بر آن، یک آشپزخانه، یک اتاق نشیمن، یک اتاق غذاخوری و چندین انباری نیز وجود داشت. مکان وسیعی برای باغبانی و همچنین فضایی برای کار دیگر راهبان و همچنین نگهداری حیوانات نیز وجود داشت (یانی، ۱۰۸۴، ص ۱۳). به نوعی می‌توان گفت: فضای صومعه تمام نیازهای راهبان را تأمین می‌کرد. این شیوه در ساخت تمام صومعه‌های پاکومیوسی مدنظر قرار می‌گرفت.

## ۲. نگارش دستور العمل مشترک

با ادعای پاکومیوس مبنی بر دیدن فرشته و گرفتن دستورات و احکام رهبانیت از خداوند، ادبیات پاکومیان نیز شکل گرفت و با پذیرش این ادعا، تا حدی ارتباط میان راهب و خداوند به صورت ملموس‌تر درآمد. برطبق این ادبیات که «ویتای» (Vitae) نامیده می‌شود، خداوند راهنما و آموزش‌دهنده پاکومیوس در همه زمان‌ها بوده است (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۴۷). بنابراین، باید گفت: پاکومیوس نخستین کسی است که برای زندگی رهبانی گروهی، دستورالعمل تنظیم نمود و صدها راهب در صومعه‌هایی که تحت رهبری او بودند، از آن پیروی می‌کردند (میشل، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). قوانین پاکومیوس، که کاملاً دقیق برنامه‌ریزی شده بود، تمام ساعات شبانه‌روز یک راهب را پوشش می‌داد. این نظم و دقت در سازمان‌دهی رهبانیت مسیحی، تا حد زیادی موجب توسعه و گسترش رهبانیت در شرق و غرب شد (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۴۰). از آنجاکه قوانین پاکومیوس، جزو نخستین متون رهبانیت بود که به لاتین ترجمه و وارد سرزمین غرب گردید، باید پذیرفت که این قوانین تأثیر زیادی در نفوذ رهبانیت به غرب داشت (مک‌کارتی، ۲۰۰۲، ج ۱۰، ص ۷۴۳)؛ زیرا در این دوره، برخی از راهبان شغل کاتبی انتخاب کردند. بدین ترتیب، بسیاری از آثار کلاسیک با قلم آنان حفظ گردید (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۷۶). پس از مرگ پاکومیوس، شاگردان وی از این نوع ادبیات در تعالیم خود بهره می‌گرفتند (دان، ۲۰۰۳، ص ۲۷-۲۸). این گسترش رهبانیت مسیحی را به همراه داشته است.

طبق این آیین‌نامه، که بنا بر ادعای پاکومیوس آن را از فرشته دریافت کرده بود، راهبان موظف بودند که در سه زمان از روز، یعنی طول روز، شامگاه و شب، هر زمان دوازده دعا را بخوانند و در هنگام صرف غذا نیز مزامیر تلاوت کنند. در روزهای شنبه و یکشنبه نیز عشای ربانی برگزار کرده، همه راهبان با هم غذا می‌خوردند (استونی، ۱۹۱۵، ص ۵). طبق ادعای پاکومیوس، فرشته به او چنین دستور داد:

راهبی که بیگانه است و ظاهر او با آنان فرق دارد، نباید با ایشان سر سفره حاضر شود؛ مردی که می‌خواهد در آن دیر به رهبانیت پذیرفته شود، مجبور است سه سال آنجا کار کند و پس از آن به سر تراسی پذیرفته می‌شود. هنگامی که راهبان با هم غذا می‌خورند، باید چهره خود را با باشلق خود بپوشانند تا یکدیگر را در حال خوردن نبینند و نباید سر سفره با هم صحبت کنند و از سویی به سویی در اطراف خود خیره شوند... (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۷).

سه راهب باید در هر حجره زندگی کنند و با هم غذا بخورند (اسمیت، ۱۳۹۰، ص ۳۶). هر راهبی باید به اندازه‌ای که به او قدرت و نیرو برای انجام کار و عبادت را بدهد، بخورد و بیاشامد (یانی، ۱۹۸۴، ص ۱۱). پاکومیوس به فرشته گفت: بخش‌هایی از کتاب مزامیر، که برای ما معین کرده‌ای تا آنها را تکرار کنیم، بسیار اندک هستند. فرشته به او گفت:

بخش‌هایی از کتاب مزامیر که معین کرده‌ام واقعاً اندک هستند تا اینکه حتی راهبان ضعیف نیز بتوانند به این آیین‌نامه عمل کنند و از آن دلتنگ نشوند؛ زیرا احکام برای کاملان وضع نمی‌شوند؛ زیرا ذهن آنان در همه وقت به خدا مشغول است، ولی این احکام را برای کسانی که ذهنی کامل ندارند، وضع کرده‌ام تا کارهایی که می‌کنند، هر چند به مقتضای این آیین‌نامه باشد، بتوانند از آنها گشاده‌رویی کسب کنند... (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۷).

اساس پیروی از پاکومیوس و فرامین وی موجب گردید که او به‌عنوان اولین پدر ارشد راهبان شناخته شود. او نیز پذیرفت تا موقعیت و رفاه معنوی و غیردنیوی برادران راهب خود را فراهم سازد. بدین ترتیب، راهبان او را «پدر ما» می‌خواندند. این ایده در ادامه، تبدیل به قانون گردید و پیروی از مافوق را «راه پیروی و تقلید از مسیح» می‌دانستند (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۵۱-۵۲). بنابراین، هر راهبی موظف بود که از مافوق خود پیروی نماید و کاملاً رابطه مراد و مریدی میان راهب و مافوقش وجود داشت (اسمیت، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

پاکومیوس، در دوران رهبری خود بر صومعه‌ها، قوانین معروفی را به زبان قبطی نوشت. امروزه ترجمه جروم، که از یونانی به لاتین بود، باقی مانده است. البته بخش‌هایی از این قوانین به زبان‌های قبطی، یونانی، حبشی و عربی موجود است. در ترجمه‌های جروم، یازده نامه از پاکومیوس حفظ شده که علاوه بر آن، بخش کوچکی از دستورالعمل‌های او و پند و توصیه‌های او به راهبان نیز در آن وارد شده است (زیسیز، ۲۰۰۵، ج ۱۰، ص ۶۹۴۰). البته اشخاصی همچون پالادیوس (Palladius) نیز وجود دارند که اطلاعاتی از زندگی پاکومیوس بیان داشتند، اما باید اطلاعات آنان را دست دوم و در برخی اوقات نادرست دانست؛ یعنی نمی‌توان به اطلاعات آنان به تنهایی اعتماد کرد (دان، ۲۰۰۳، ص ۲۹).

### ۳. حضور در اجتماع و سیاست

تا پیش از نظام‌مندسازی زندگی راهبان توسط پاکومیوس، راهبان براساس مکتب آنتونی، تنها به عبادت و ریاضت‌کشی خود می‌پرداختند. آنان با صدقات مردم منطقه سکونت خود ارتزاق می‌کردند. اما پاکومیوس این شیوه را نپذیرفت و معتقد بود که راهبان باید رزق خود را خودشان مهیا سازند. برخی از راهبان، به حصیربافی و خیاطی مشغول شدند (اسمیت، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۰). برخی نیز کشاورزی را پیشه خود ساختند. آنان با اتکا به این مشاغل، علاوه بر اینکه هزینه زندگی خود را تأمین می‌کردند، تولید مازادشان را به مصرف صومعه‌های زنان و نیازمندان ارسال می‌کردند. بدین ترتیب، راهبان دیگر به کمک‌های مردمی نیاز نداشته و محتاج کسی نبودند (اسمیت، ۱۳۹۰، ص ۳۶). مردان راهب غالباً مسئول تأمین غذا و انجام کارهای سنگین و خشن بودند. در این زمینه، مشکلات صومعه زنان را نیز برطرف می‌کردند. در مقابل، زنان راهبه نیز برای خود و مردان راهب لباس می‌دوختند (استونی، ۱۹۱۵، ص ۵). این مسائل موجب ایجاد اتحاد میان راهبان می‌شد، به طوری که آنان درباره ارتباطشان با یکدیگر معتقد بودند که «دارای یک قلب و یک روح هستند» (دان، ۲۰۰۳، ص ۲۷). با شیوه‌ای که پاکومیوس مطرح نمود، ممنوعیت‌های پیشین درباره فعالیت اجتماعی راهبان لغو شد؛ زیرا کار و تولید متضمن حضور راهبان در اجتماع گردید. بسیاری از راهبان در ادوار معین، برای فروش فرآورده‌های خود از راه نیل با قایق به اسکندریه می‌رفتند. در آنجا علاوه بر فروش محصولات خود، مایحتاج خود را نیز تهیه می‌کردند. حضور راهبان در میان مردم، با وجود احترامی که مردم برای آنان قائل بودند، موجب گردید در برخی مناقشات کلیسایی - سیاسی نیز حضور داشته باشند (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۷۴).

ایجاد انضباط و ضوابط و قواعد معین در رهبانیت موجب شد که در دوران بعدی با فعالیت‌های آتاناسیوس قدیس، رهبانیت به طور رسمی وارد سازمان کلیسایی گردد. حتی راهبان وظایف دینی و کلیسایی نیز بر عهده بگیرند (مهدی‌زاده، ۱۳۳۸، ص ۱۸۱). آتاناسیوس نیز یک‌بار با پاکومیوس دیدار داشته و مطالب بسیاری را از او آموخته و تحت تأثیر تفکرات پاکومیوس قرار گرفته است. البته شخص پاکومیوس نیز حجیت کشیشان را محترم دانسته، با آنان ارتباط تنگاتنگی داشت. بسیاری از کشیشان به صومعه‌های وی رفت و آمد داشتند (یانی، ۱۹۸۴، ج ۵، ص ۲۸-۲۷). این مسائل موجب حضور راهبان در اجتماع و سیاست گردید.

### ارزیابی رهبانیت پاکومیوس

اگر ویژگی‌های مکتب رهبانی پاکومیوس را در تراز تحلیل و انتقاد بر معیار کتاب مقدس و سنتی که از تاریخ مسیحیت برجای مانده قرار دهیم، می‌توان نکات مثبت و منفی بسیاری از رویکرد رهبانی و

الهیاتی این مکتب بیان نمود که عمدتاً زاینده سلاقی و نوع نگرش فکری پاکومیوس در زندگی شخصی وی بوده است (مارتین، ۲۰۱۴، ص ۷). هرچند این مکتب از بسیاری از افراطی‌گری‌ها و هرج و مرج‌ها، در حوزه رهبانیت مسیحی جلوگیری به عمل آورد و به نوعی با دیده علمی با رویکرد کتاب مقدسی، توصیه به زهد بدون افراط نمود، اما بدعت‌های متعددی از خود برجای گذاشت که در ادامه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

## الف. نکات مثبت مکتب پاکومیوس

### ۱. جلوگیری از افراطی‌گری

پیش از ایجاد مکتب پاکومیوس، راهبان سعی داشتند گوی سبقت را از سایر راهبان در ریاضت و عبادت برابند، به گونه‌ای که در برخی موارد رقابت‌های ناپسندی میان راهبان بر سر افراط در ریاضت‌کشی ایجاد می‌شد. از این رو، بسیاری بر این عقیده بودند که هر کس بیش از دیگران افراط نماید، مقدس‌تر شناخته می‌شود (راسل، ۱۳۷۳، ص ۵۳۳). به عنوان مثال، *سراپیون* در غاری در ته دره‌ای عمیق سکنا گزیده بود که فقط معدودی از زائرین جرئت فرود آمدن به آن را داشتند. برخی، باری سنگین همیشه به دوش می‌کشیدند. برخی دست و پای خود را با گل و زنجیر می‌بستند (دوران، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۷۵). برخی مدت‌ها بر روی ستون زندگی می‌کردند (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۳۰). برخی راهبان در ریاضت‌هایی نظیر روزه، شب‌زنده‌داری، قرار گرفتن در برابر گرما و سرمای شدید، کار سخت و جهاد با نفس افراط می‌کردند. آنان اعتقاد داشتند که ریاضت‌تن، اسباب کمال و رشد توانایی‌های روحی و تحقق قدرت برای نیل به تجربه رؤیت و دریافت الهام است. اما پاکومیوس، با تأسیس صومعه و نگارش قانون‌نامه مشترک برای راهبان، توانست جلوی این شیوه‌های افراطی - انفرادی برخی راهبان را بگیرد. وی همه آنان را در شیوه متحد با قوانین مشترک رهبری کند. بنابراین، در صومعه کسی به عنوان راهب شناخته می‌شد که از قوانین صومعه اطاعت کند و از دیگر مسائل پرهیز نماید. با تأسیس این مکتب، حتی بسیاری از شایعات درباره راهبان همچون متعصب و خشک‌مغز بودن آنان از بین رفت. همه مردم، راهبان را انسان‌های عادی می‌دانستند که فروتن، آرام و فهمیده هستند (مرتون، ۱۳۸۵، ص ۴۳). در واقع، جامعه رهبانی پیروان پاکومیوس با زندگی جمعی خود به توصیه‌های عیسی و پولس، مبنی بر زندگی زاهدانه و نیز زندگی مشارکتی و صمیمانه مسیحیان اولیه جامعه عمل پوشاندند. آنان به جای افراط در ریاضت، محبت به دیگران را سرلوحه کار خود قرار دادند.

### ۲. ایجاد ارتباط میان کلیسا و صومعه

پیش از شکل‌گیری رهبانیت نظام‌مند، این الهیات جنبشی خودسرانه بود که کاملاً بیرون از نظام کلیسایی بود، سرانجام قدیس *آتاناسیوس* به عنوان شاگرد پاکومیوس و ادامه‌دهنده شیوه او، رهبانیت را با روحانیت آشتی داد و ارتباط نزدیکی میان کلیسا و صومعه برقرار کرد. در برخی صومعه‌ها، که در نزدیکی شهرها بود، به منظور احتراز از ایجاد رقابت میان حوزه کلیسایی و صومعه‌ها، مراسم آیین تعمید، آیین قربانی مقدس و عشاء بانی در این صومعه‌ها برگزار نمی‌شد. راهبان برای شرکت در این مراسم، به کلیساها مراجعه می‌کردند (اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹). همان‌گونه که گفته شد، پاکومیوس نیز برای کلیسا اعتبار قائل بود و با کشیشان نیز ارتباط خوبی داشت. این تفکر موجبات نزدیکی کلیسا و صومعه را فراهم کرد (رک: یانی، ۱۹۸۴، ج ۵، ص ۲۸۲۷).

در دوران بعدی، ارتباط میان کلیسا و صومعه به گونه‌ای شد که راهبان می‌توانند کشیش هم باشند (راسل، ۱۳۷۳، ص ۵۳۲). در سال‌های نه‌چندان دور از مرگ *آتاناسیوس*، پاپ نیز از میان صومعه‌نشین‌ها انتخاب گردید که نخستین آن، *گریگوری* کبیر بوده است. البته، چنین مسئله‌ای برای صومعه بدون آسیب نبود؛ چراکه با روی کار آمدن *گریگوری* کبیر، ثروت بسیاری به صومعه‌ها وارد شد و بسیاری از ویژگی‌های رهبانیت، همچون فقر، زهد، نداشتن حاشیه سیاسی و... کم‌رنگ گردید. حتی برخی راهبان نیز آیین‌های دینی خود را در صومعه‌ها برگزار می‌کردند. بدین ترتیب، صومعه جایگاهی در کنار کلیسا و هم‌تراز و در برخی مواقع، بالاتر از آن در نظر گرفته می‌شد.

### ۳. ایجاد الهیات رهبانی

پاکومیوس را نمی‌توان یک الهیدان دانست. اما نباید از این نکته غافل بود که وی در مسیری غیر از الهیات، یکی از ارکان اساسی مذهب ارتدوکس و چگونگی شکل‌گیری آن به‌شمار می‌رود؛ مسیری که شامل زندگی‌اش در کلیسا و دلبستگی او به کشیشان معتبر و شهادت او در مقابل ارتداد زمان او می‌شود (یانی، ۱۹۸۴، ص ۲۶). در واقع با برقراری زندگی اشتراکی توسط پاکومیوس، وی پیروان بی‌شماری یافت که بنابر نقلی، در قرن پنجم حدود ۱۰۰ هزار نفر به‌عنوان راهب در صومعه‌ها زندگی می‌کردند. افزون بر این، بسیاری از مردم عوام نیز شدیداً حامی و تحت تأثیر صومعه‌ها بودند (وسلی ویشارت، ۱۹۹۰، ص ۶۳). این امر موجب شکل‌گیری الهیات رهبانی گردید. این الهیات، پاسخ نیازهای آنان است و درخواست‌های آنان را اجابت می‌کند. به این نوع الهیات، «الهیات رهبانی» گفته می‌شود. وجود این نوع الهیات، حقیقتی است که توسط دانشمندان قرون وسطی

پذیرفته شده و از سوی مورخان امروزی نیز به رسمیت شناخته شده است. این الهیات، قدمتی طولانی دارد. غالباً از الهیات آغازین مسیحیت قلمداد می‌شود (لیکلرک، ۲۰۰۳، ص ۱۹۱)، که با شکل‌گیری صومعه‌ها و قوانین مشترک پاکومیوسی، شکلی نظام‌مند به خود یافت. الهیاتی که پاکومیوس مطرح می‌سازد، به صورت توصیه و پیشنهادهایی است که برای راهبان خود بیان نموده است. به‌عنوان نمونه، او در باب خداشناسی معتقد است: یک راهب باید با روح‌القدس ارتباط برقرار سازد و آن را در خود مسکن دهد. وی برای این ارتباط، ریاضتی پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند عمل روح‌القدس را در قلب فعال سازد. از این رو، در این باره می‌گوید:

اگر شما خود را در معرض ریاضت قرار می‌دهید، اتافی را در خودتان برای عمل روح‌القدس بسازید. او آتش و نور را در قلوب پاکتان روشن خواهد کرد و آن را به شهود آسمانی قادر می‌کند و این نظر و شهود، شما را هر چه بیشتر از امیال زمینی پاک خواهد کرد و به شما پاکی نفس و فروتنی قلب خواهد بخشید. پس شما حقیقتاً معبد روح‌القدس و خدا خواهید شد، چنان‌که خود وعده داده است (پدران صحرا، ۱۹۰۷، ج ۲، ص ۱۹۹).

پاکومیوس برای مستند نمودن دیدگاه خود به انجیل یوحنا اشاره می‌کند که می‌گوید: «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت» (یوحنا ۱۴: ۲۳).

بنابراین، الهیات پاکومیوس، تحت تأثیر افکار گنوسی قرار داشت؛ زیرا در سال ۱۹۴۵ در مصر علیا، نزدیک شهر نجع حمادی، دست‌نوشته‌هایی کشف شد که متون و اناجیل آیین گنوسی بود که به دست راهبان صومعه پاکومیوس قدیس در آنجا دفن شده بود. از جمله این متون، انجیل اعمال توماس بود (استورات، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷-۲۱۸). تاریخ دقیق نگارش این متون مشخص نیست، ولی احتمالاً بین سال‌های ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلادی به رشته تحریر درآمده است (براندن، ۱۳۹۱، ص ۵۹۰). در این نوشته‌ها، نامه‌هایی منتسب به برخی راهبان بزرگ وجود دارد که همسو بودن آنان در مسائلی همچون روح را نشان می‌دهد (رک: مارکس‌چیز، ۲۰۰۳، ص ۴۹-۵۱). در واقع، رهبانیت راهبان مصری، به‌ویژه راهبان مکتب پاکومیوس، قرابتی نزدیک با آیین گنوسی و افکار آنان داشته، و هر دو گروه تأثیراتی از یکدیگر پذیرفتند (م. درایتون، ۲۰۰۲، ص ۷۵-۷۶). به سبب همین تأثیرپذیری‌ها، کلیسا در ابتدا شدیداً با رهبانیت مخالفت نمود و یکی از نگرانی‌های اصلی مسیحیان راست‌گیش بود (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۴۵-۴۶). اما سرانجام کلیسا مجبور به پذیرش رهبانیت شد و آن را مورد ستایش قرار داد (ناردو، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

#### ۴. خدمت به جامعه

طبق آنچه از آموزه‌های پولس در کتاب مقدس بیان شده، وی آرزو داشت که دیگران نیز مانند او

زندگی کنند (اول قرتیان ۷، ص ۷) تا بتوانند کاملاً و با آزادی کامل به خدمت خداوند بپردازند (همان ۷، ص ۳۲)؛ خدمتی که با کمک به فقرا و رفع نیاز دیگران محقق می‌شود. درحالی‌که در ابتدای شکل‌گیری رهبانیت مسیحی و در مکتب آنتونی، خدمت به جوامع معنا نداشته و خود راهب باری بر دوش دیگران به حساب می‌آمده است. حتی این راهبان، به مسائلی که مورد پذیرش جامعه و زندگی اجتماعی نبوده، اهمیت می‌دادند. به‌عنوان نمونه، راهبان از پاکیزگی بیزار بودند. این مسئله موجب گردید که برای برخی چیزها، همچون شپش جایگاه مقدسی در نظر بگیرند و آن را «مروارید خدا» بنامند. بسیاری از این راهبان، از افتخارات خود می‌دانستند به اینکه جز در هنگام عبور از رودخانه، آب به پایشان نرسیده است. اما با شکل‌گیری صومعه و نظام‌مندشدن زندگی راهبان تحت قوانین و آداب مشترک، راهبان خدمات مفید بسیاری انجام دادند؛ آنان کشاورزان ماهری بودند. حتی برخی از آنان، علم را زنده نگه داشته یا زنده می‌کردند تا به‌گونه‌ای که الهیات مسیحی، بسیاری از جزئیات دینی خود را مدیون راهبانی همچون آتاناسیوس، باسیل و... می‌داند. درحالی‌که در آغاز رهبانیت، خاصه در نزد منزویان، چنین چیزهایی در کار نبود؛ زیرا بیشتر راهبان کار نمی‌کردند؛ هرگز چیزی جز به تجویز شرع نمی‌خواندند و فضیلت را از راه کاملاً منفی؛ یعنی پرهیز از گناه، بخصوص گناهان تن، تحصیل می‌کردند (راسل، ۱۳۷۳، ص ۵۳۲). همه این خدمات، مواردی است که پاکومیوس آغازگر آن بوده و به آن سامان داده است. حتی در قرون بعد، راهبان خدمات ارزنده دیگری همچون پرستاری از بیماران و خدمت به زائران و نیازمندان را نیز در جامعه برعهده گرفتند.

#### ب. نقد مکتب پاکومیوس

##### ۱. پشتوانه کتاب مقدسی نداشتن

مسیحیان برای اثبات صحت رهبانیت، به آیات کتاب مقدس اشاره دارند. مدعیان آن فائند که کتاب مقدس رهبانیت را اعلام نموده و آن را تأیید می‌کند و در واقع آموزه‌ای کتاب مقدسی تلقی می‌گردد. آنان برای این کار به اناجیل، سخنان و عملکرد عیسی و پولس استناد می‌کردند (فایننگ، ۱۳۸۴، ص ۴۲-۵۳). از جمله آن، زندگی در خلوت و اقامت در صحرا بود که هم عیسی (مرقس ۳: ۱۳) و هم پولس (آندرهیل، ۱۳۹۲، ص ۵۱-۵۲)، آن را تجربه کرده بودند. در کتاب عبرانیان، آنجا که درباره قهرمانان ایمان سخن می‌گوید، از جمله کسانی را که این جهان‌لایقشان نیست و باایمان بودند، چنین معرفی می‌کند: «که در جامعه‌هایی محقر از پوست گوسفند و بز در هر جا گذر کرده، تنگدست، ستم‌دیده و مورد آزار بودند. اینان که جهان‌لایقشان نبود در بیابان‌ها و کوه‌ها و غارها و شکاف‌های زمین، آواره بودند» (عبرانیان ۱۱، ص ۳۸-۳۷).

در واقع این آیه از کتاب عبرانیان، از مهم‌ترین ادله راهبان برای کتاب مقدسی جلوه دادن الهیات خودشان است و مدرکی برای زندگی در صحرا می‌باشد. درحالی‌که بسیاری از ویژگی‌هایی که برای رهبانیت بیان گردید و توسط کتاب مقدس مستند دانسته شد، با آنچه در صومعه‌ها می‌گذشت، تفاوت داشته و با یکدیگر مطابقت ندارد. همان‌گونه که مارتین در کتابش اشاره نمود، محصول فکری شخص پاکومیوس بوده است (مارتین، ۲۰۱۴، ص ۷). از سوی دیگر، وقتی به سخنان پاکومیوس توجه می‌شود، به دست می‌آید که برخی از سخنانش با یکدیگر تناقض دارد. درحالی‌که معتقد بود: آنان را از فرشته دریافت کرده است. به‌عنوان مثال، او در جایی تصریح کرد که «خدمت به مریض در روستاها کاری نیست که یک راهب انجام دهد». درحالی‌که وی در یکی از موعظه‌هایش با صدای بلند به صراحت اعلام کرد که ارزش‌های مشترک محبت و اطاعت، بالاتر از عزلت‌گزینی است. وی از راهبان خواست تا خدمت به انسان‌ها و محبت به آنان را بر عزلت‌گزینی خود مقدم بدانند (دان، ۲۰۰۳، ص ۲۷). پاکومیوس مدعی است که دستورات خود را از فرشته دریافت کرده که می‌توان آن را به‌عنوان توجیهی در برابر ایرادات کتاب مقدس در نظر گرفت.

قوانین و تشکیل صومعه، مطالبی است که با شیوه‌های کتاب مقدس همسویی ندارد. در هیچ‌جایی از کتاب مقدس، سخن از شکل‌گیری صومعه نشده است. مسلک راهبان اولیه، که خود را پیرو کتاب مقدس می‌دانستند، نیز چنین شیوه‌ای را قبول نداشتند. به‌عنوان نمونه، پاکومیوس با قوانین خود مفهوم دیگری برای عزلت‌نشینی و صحرا به وجود آورد و حتی مجرد نیز زیرسؤال رفت؛ چراکه با تشکیل صومعه متأهلان نیز توانستند وارد آن شوند. حضور در صحرا دیگر بی‌معنا شد و صومعه جای آن را گرفت. درحالی‌که اقامت در این دو، کاملاً از لحاظ ماهوی با یکدیگر فرق داشتند. دیگر راهبان به صورت انفرادی عبادت نکرده، بلکه در گروه‌های چند نفره مشغول می‌شدند. همچنین مجرد و باکره‌گی، از شرایط اصلی اتصال به جامعه رهبانیت پیش از پاکومیوس بوده، که وی این اصل را زیر پا گذاشته، معتقد بود که متأهلان نیز می‌توانند وارد زندگی رهبانی شوند (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۸). درحالی‌که در کتاب مقدس نیز نمی‌توان ادله‌ای برای آن یافت.

## ۲. ساختار نظامی داشتن

با وجود اینکه وی مدت طولانی پس از خدمت در زمره راهبان بود و در محضر پالمون به شاگردی پرداخته بود، اما او سوگند خورده بود که همیشه یک سرباز باشد تا بتواند به انسانیت خدمت کند (همان). بنابراین، وی پس از اینکه زندگی رهبانیت را آغاز کرد، زندگی انفرادی را به باد نقد گرفت و زندگی

اشتراکی همراه با برنامه‌های منظم با ساختاری کاملاً نظامی ایجاد نمود. البته شایعاتی که در آن دوره، درباره نکویش زندگی انفرادی وجود داشت، مبنی بر اینکه تنهایی و عزلت مطلق موجب دیوانگی و جنون می‌شود (ناس، ۱۳۸۱، ص ۶۳۹)، نیز وی را در برقراری این انضباط کمک کرد. پاکومیوس، راهبان را به گروه‌های ده نفره یا صد نفره تقسیم کرد و برای هر گروه، شخصی همچون افسر را مشخص کرد. همه اینها نیز تحت فرمان پدر یا مادری بودند؛ درست همان چیزی که در یک پادگان نظامی در جریان بود (وسلی ویشارت، ۱۹۹۰، ص ۵۸). بنابراین، باید دانست که روش‌های پاکومیوس براساس تجارب وی در نظام بود، نه به دست آوردن تعالیم از مسیحیت و الهیات آن.

## ۳. تغییر یافتن مفهوم صحرا و ریاضت

صحرا در نگاه راهبان، جایگاه بسیار والایی دارد به‌گونه‌ای که واژه «زاهد» در زبان انگلیسی از واژه «eremos» به معنی بیابان گرفته شده است. صحرا، مکان زندگی شیاطین است که راهبان برای مبارزه با شیاطین به آنجا نقل مکان می‌کردند (هیل، ۲۰۰۱، ص ۱۷۱). در واقع اقامت در صحرا از ویژگی‌های رهبانیت پیش از پاکومیوس است. آنان این ضرورت را از عملکرد عیسی مسیح و پولس و سایر حواریون کسب نمودند. راهبان بزرگ، سخنان زیادی درباره صحرا و جایگاه آن دارند. به‌عنوان نمونه، آنتونی در این باره می‌گوید: «صحرا هم محل نبرد شیطان است و هم ملاقات خداوند و نیایش و تازه‌تر شدن» (دیوید، ۲۰۰۴، ص ۱۷۸). اما با شکل‌گیری صومعه، اندک اندک صحرا و جایگاه آن از زندگی و ذهن راهبان به فراموشی سپرده شد. به همین دلیل، در دوره‌های بعد صومعه مقدس دانسته شد و برای آن اساطیر متعددی تعریف می‌شد. به هر ترتیب، با شکل‌گیری صومعه، یکی دیگر از ویژگی‌های مکتب آنتونی - با پیش فرض کتاب مقدس - که زندگی و ریاضت در صحرا بود، نیز از بین رفت و به فراموشی سپرده شد.

وقتی اقامت در صحرا منتفی شد، نوع ریاضت کشیدن نیز تغییر یافت. در واقع، طبق برنامه‌ای که پاکومیوس به راهبان ارائه داد، دیگر ریاضت معنای واقعی و اصلی خود را که راهبان دوره‌های قبل متحمل آن می‌شدند، کاملاً تفاوت یافت. در واقع ریاضت آنچنانی وجود نداشت. از این رو، باید گفت: با شکل‌گیری صومعه و اقامت دسته‌جمعی در آن، غالب ویژگی‌های رهبانی که در دوره‌های قبل از تشکیل صومعه وجود داشت و آن راهبان نیز سعی در کتاب مقدسی جلوه دادن آن ویژگی‌ها داشتند، با قوانین صومعه یا از بین رفت یا تغییرات زیادی را به خود دید.

#### ۴. سهولت ورود به صومعه و انتخاب زندگی رهبانی

به دلیل سختی راهب شدن، هر کس قادر نبود وارد این عرصه شود و زندگی خود را وقف ریاضت، آوارگی در بیابان‌ها، تجرد و... نماید. از این رو، برخی با استناد به آیات اناجیل، رهبانیت را مخصوص افراد خاص می‌دانند، اما با تأسیس صومعه موضوع کاملاً تغییر یافت؛ زیرا دیگر ریاضت و آوارگی در بیابان و مبارزه با شیاطین معنای خود را از دست داده بود. به نوعی صومعه مأمن انسان‌های بی‌خانمان و فقیر نیز شده بود. بدین ترتیب، صومعه‌ها منشأ بی‌نظمی شد؛ زیرا برای تشخیص ریاضت‌کشان حقیقی، از کسانی که بر اثر تنگدستی صومعه را برای زیستن جایی نسبتاً مرفه می‌دیدند، هیچ راهی وجود نداشت (راسل، ۱۳۷۳، ص ۵۳۲). آسان شدن ورود به صومعه و انجام اعمال آسان صومعه، مسائلی بود که پاکومیوس در مکاشفه‌اش به فرشته نیز اشاره کرده بود. فرشته در پاسخ وی اذعان داشت که راهبان ضعیف هم می‌توانند این اعمال را انجام داده، در صومعه حاضر باشند (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۷). این از ویژگی‌هایی است که تا پیش از پاکومیوس وجود نداشت که در ادامه تحولات صومعه، موجبات جولان راهبان دنیاگرا را فراهم ساخت.

#### نتیجه‌گیری

با بررسی اندیشه‌ها و عملکرد پاکومیوس، وی دوره جدیدی از رهبانیت مسیحی را ایجاد کرد که شاید بتوان از آن به‌عنوان دوران «پساآنتونی» نام برد. پاکومیوس، با الهیات خاص خود توانست بسیاری از اصول اصلی رهبانیت در دوران گذشته را تغییر داد، و رهبانیت جدیدی ارائه کند. از این رو، می‌توان از پاکومیوس به‌عنوان بنیانگذار نوعی رهبانیت جدید در مسیحیت سنت شرق نام برد.

پاکومیوس، با شیوه خود به رهبانیت انفرادی/آنتونی پایان داد و روش جمعی یا سنوبتیک را با تأسیس صومعه ابداع نمود و قوانین جامع و مشترکی در آن مدون کرد. او راهبان را از صحرا به صومعه آورد و به دیرها قداست بخشید، به‌طوریکه صومعه جای صحرا و قداست آن را به خود اختصاص داد. کم‌کم با کلیسا هم‌تراز و در نظر برخی رفیع‌تر دانسته شد. پاکومیوس، قوانین منظمی تدوین کرد و با ادعای مکاشفه، به آن قوانین اعتبار و قداست بخشید. ادعای مکاشفه و ارتباط وی با فرشته، موجب شکل‌گیری تفکر مرید و مرادی و راشد و مرشدی گردید که بعدها، جایگاه بسیار مهمی در رهبانیت مسیحی یافت. اصلی که هیچ ادله دینی ندارد. تا پیش از دوران پاکومیوس، راهبان تنها به ریاضت مشغول بودند و مردم بومی صحراها و برخی دوست‌داران راهبان برای آنان طعام فراهم می‌کردند، اما پاکومیوس معتقد بود: راهبان باید کار کنند و خود کار نیز نوعی عبادت دانسته می‌شود. کار کردن

راهبان موجب ایجاد ارتباط آنان با اجتماع و در ادامه، دخالت آنان در مسائل کشورها و کلیساها گردید:

این مسئله نیز با اصل شکل‌گیری رهبانیت مسیحی ناسازگار و بدعت به‌شمار می‌رود.

علی‌رغم اینکه رهبانیت پاکومیوسی موجب جلوگیری افراطی‌گری در رهبانیت مسیحی شد و ارتباط میان راهبان و کشیشان برقرار کرد و راهبان را مفید برای جامعه ساخت، اما باید گفت: این شیوه‌ها از سوی پاکومیوس، پشتوانه کتاب مقدسی نداشته، تنها به تفکرات و شرایط زیستی پاکومیوس مرتبط می‌شود. در واقع، روش‌های پاکومیوس براساس تجارب وی در نظام بود، نه به دست آوردن تعالیم از مسیحیت و الهیات آن.

پاکومیوس، با شیوه خود، بسیاری از ویژگی‌های مهم رهبانیت مسیحیت شرقی، از جمله مسئله سکوت، تجرد، زندگی در انزوا، حضور در صحرا و وقف خدا و انکار خود، را از بین برد و معنای جدیدی از رهبانیت را وارد مسیحیت کرد. بسیاری از ویژگی‌هایی که برای رهبانیت بیان شد و توسط کتاب مقدس مستند دانسته شد، با آنچه در صومعه‌ها می‌گذشت، تفاوت داشت. بنابراین، اگر پیروان رهبانیت مسیحیت شرقی، مکتب پاکومیوس را پذیرفته‌اند، باید دلایل درون‌دینی دیگری برای آموزه‌های ارائه‌شده مکتب پاکومیوس ارائه دهند. درحالی‌که این مکتب، کاملاً با مکتب آنتونی تفاوت دارد. از این رو، شاهد تناقضاتی در ادله دینی برای اثبات رهبانیت مسیحی هستیم. با وجود اینکه وی معتقد بود: قوانین خود را از فرشته گرفته و این خداوند است که این شیوه‌ها را به او آموزش داده است، اما در برخی موارد، برخی سخنان وی با یکدیگر مطابقت نداشته، حتی در مواردی تناقض داشته است. راهبان بزرگی همچون باسیل، وی نیز با بسیاری از این قوانین مخالفت کردند.



## منابع

کتاب مقدس، ۲۰۰۷، چاپ ایلام.

ادوکیموف، پل، *راز محبت*، www.irancatholic.com، بی تا.

استورات، هالروید، ۱۳۸۷، *ادبیات گنوسی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، اساطیر.

اسمارت، نینیان، ۱۳۸۳، *تجربه دینی بشر*، ترجمه محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، سمت.

اسمیت، مارگارت، ۱۳۹۰، *مطالعاتی در عرفان اولیه خاور نزدیک و خاورمیانه*، ترجمه منصور پیرانی و مریم محمدی

نصرآبادی، تهران، مرکز.

*اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شر*، بی تا، تهران، کانون یوحنا رسول.

آندرهیل، اولین، ۱۳۹۲، *عارفان مسیحی*، ترجمه حمید محمودیان و احمد رضا مؤیدی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

براندن، اس. جی. اف، ۱۳۹۱، *پژوهشی در ایده‌ها، انسان‌ها و رویدادها در ادیان عهد باستان*، ترجمه سودابه فضایی، قم،

دانشگاه ادیان و مذاهب.

بستانی، بی تا، *دائرةالمعارف بستانی*، بیروت، دارالمعرفة.

بوش، ریچارد، ۱۳۸۴، *جهان مذهبی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

پیترز، اف ئی، ۱۳۹۲، *یهودیت مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

*توسعه کلیسا؛ مسیحیان قرن چهارم*، بی تا، بی جا.

دورانت، ویل، ۱۳۸۵، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.

راسل، برتراند، ۱۳۷۳، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندی، تهران، کتاب پرواز.

سلیمانی، عبدالرحیم، ۱۳۸۱، *آشنایی با ادیان مسیحیت*، تصحیح سید سعید روحانی، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.

فانینگ، استیون، ۱۳۸۴ش، *عارفان مسیحی*، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران، نیلوفر.

کرنز، ارل ای، ۲۰۰۸، *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه آرمان رشدی، انتشارات ایلام.

مرتون، توماس، ۱۳۸۵، *حکمت مردان صحرا*، ترجمه فروزان راسخی، تهران، نگاه معاصر.

مفتاح، احمدرضا و سید مرتضی میرتبار، ۱۳۹۳، «آنتونی قدیس و تأثیرپذیری آن از آیین گنوسی»، *معرفت ادیان*، ش

۲۰، ص ۱۰۲-۸۵.

مهدی‌زاده، علی، ۱۳۶۸، «رهبانیت مسیحی در شرق»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، ش ۸۴۷-۸، ص ۴۴۴

میشل، توماس، ۱۳۸۷، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

ناردو، دان، ۱۳۸۵، *پیدایش مسیحیت*، ترجمه مهدی حقیقت‌جو، تهران، ققنوس.

ناس، جان بایر، ۱۳۸۱، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.

هیل، توماس و تورسون، ۲۰۰۱، *استیفان، تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندانی، ویرایش

سارو خاچیکی.

ویلسون، برایان، ۱۳۸۱، *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.

David, Jasper, *The Sacred Desert Religion*, literature, Art, and culture, Australia, Blackwell Publishing, 2004

Dunn, Marilyn, “*The Emergence of Monasticism from the Desert Fathers to the Early Middle Ages*”, USA, Blackwell Publishing, 2003

http://www.fatheralexander.org/booklets/english/saints/pachomius\_great.htm

Jordan, Aumunn, *Christian Spirituality in the Catholic Tradition*, Wipfand Stock Publishers, 1985.

Leclercq O.S.B, Jean, “*The love of learning and the desire for God: A study of Monastic Culture*”, Translated by Catharine Misrahi, New York, Fordham University Press, 2003,

M. Drayton, James, “*Pachomius as Discovered in the Worlds of Fourth Century christian Egypt, Pachomian literature and pachomian Monasticism: A figure of history or hagiography?*”, Australia, University of Sydney, 2002

Markschies, Christoph, “*Gnosis an introduction*”, translated by John Bowden, New York, 2003

martin, Daniel J., “*The Chimera of their Age: Twelfth Century Cistercian Engagement beyond Monastic Walls*”, Pomona Senior Theses, Paper 110, 2014, http://scholarship.claremont.edu/pomona\_theses/110

MC Ginn, Bernard, “*Christian Monasticism*”, in ENC. Of Religion, editor Mircea Eliade, New York, Memillan publishing co., 1987

Mccarthy, M.C., “*PACHOMIUS, ST.*”, New catholic ENC, Washington, Catholic University of America, 2002

Mccarthy, M.C., “*PACHOMIUS, ST.*”, New catholic ENC, Washington, Catholic University of America, 2002

Meyer, R.T., “*Anthony of Egypt, st.*”, New catholic ENC, Washington, Catholic University of America, 2002

Rubenson, Samuel, “*The letters of ST. Antony*”, Fortress press, 1995

Stoney, Constance, “*Early double Monasteries*”, London, Cambridge, 1915

The fathers of the desert; translated from the German by Emily f. Bowden, in two volumes, Countess Hahn hahn, Burns and Oates, London, 1907

WESLEY WISHART, ALFRED, “*A SHORT HISTORY OF MONKS AND MONASTERIES*”, NEW JERSEY, PUBLISHER TRENTON, 1990

Yanney, Rodolph, “*Saint Pachomius Father of Koinonia*”, Pennsylvania, Coptic Church Review, 1984

Zissis, Theodore, “*PACHOMIUS*”, Eliade, Mircea, The ENC of Religion, New York, Macmillan PUB. CO., 2005